

## پاره‌های ایران شناسی

### ۱۹۳- از ترورهای اوائل انقلاب

جوانان ناآگاه انقلابی‌نما در روز نهم اسفند ۱۳۵۷ در حالی که پدر زنده‌یاد من (سید علینقی امین) در محراب ایستاده و در مسجد جامع خاتم‌الانبیای تهرانیپارس مشغول خواندن قنوت نماز بود، به‌سوی او شلیک کردند. گلوله به او نخورد و چند نفر از مأمومان بی‌گناه در صف نماز جماعت مجروح شدند و از آن میان، یک تن از زنان نمازگزار یعنی مرحومه منیره ناوی (مادر شادروان دکتر احمد سیادت‌ی پزشکی قدر اول متخصص اطفال) به درجه‌ی شهادت رسید. آن مرحومه در قم در باغ رضوان که از باقیات الصالحات مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم شریعتمداری است، دفن شد.

پس از این تیراندازی، پدر من به نماز خود ادامه داد. مجروحان را به بیمارستان بردند. پدر من بیست و دو سال دیگر در همان مسجد به مشی مستقل توأم با شرف و آزادگی خویش به عبادت خدا و خدمت به خلق خدا ادامه داد تا عاقبت در اردیبهشت ۱۳۷۹ به معبود خویش پیوست.

آیا مسؤول آن تیراندازی چه کسی و انگیزه‌ی آن قتل چه بود؟ آیا قاتل دستگیر شد؟ آیا پرونده‌ی برای او در جایی تشکیل شد؟ مرا از آن خبری نیست.

### ۱۹۴- برای که شعر بگویم؟

دو مضمون اصلی شعر کلاسیک یا مدح بزرگان به انگیزه‌ی دریافت صله و جایزه بوده است یا تغزل و معاشقه. شاعر دردمندی گفته است:

خاطری چون آتشم هست و زبانی هم‌چو آب  
فکرتمی تیز و دکایی نیک و شعری بی‌خلل  
ای دریغ! نیست ممدوحی سزاوار مدیح  
وی دریغ! نیست معشوقی سزاوار غزل

\*\*\*

قالوا ترکت الشعر قلت ضرورة  
باب البواعث و الدواعی معلق  
خلت الدیار فلا کریم یرتجی  
منه النوال و لا ملیح یعشق

ماهنامه‌ی حافظ: نشریه‌ی داخلی

شماره‌ی ۶۷ - اسفند ۱۳۸۸

### ۱۹۵- خیانت افسران توده‌ی خراسان

در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۴ بیست و چند تن از افسران، درجه‌داران و سربازان توده‌ی لشکر خراسان به قصد تشکیل یک جمهوری سوسیالیستی در منطقه‌ی ترکمن صحرا در مرز شوروی، اسلحه و مهمات تحت اختیار خود را برداشته و تحت فرماندهی سرگرد علی‌اکبر اسکندانی از پادگان مشهد از راه بجنورد به سوی دشت گرگان که هنوز در اشغال ارتش سرخ بود، حرکت کردند.

این افسران و درجه‌داران توده‌ی، پس از غافلگیر کردن سرهنگ خداداد (فرمانده لشکر خراسان) و خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری مراوه تپه با توپ و تانک به طرف گنبد قابوس راه افتادند. به این ترتیب که ساعت ۴/۵ بعدازظهر روز ۲۹ مرداد سرگرد اسکندانی همراه شش نفر از اعضای جناح نظامی حزب توده، در یک خودروی جیب وارد شهر گنبدقابوس شد. اینان هنگام عبور از جلوی ساختمان شهربانی با مقاومت نیروهای مسلح گنبد مواجه شدند و در نتیجه تمام هفت نفر سرنشینان خودروی جیب کشته شدند و از سرنشینان دو کامیون دیگر، سه نفر (به نام‌های ستوان یکم حسین فاضلی، ستوان یکم رحیم شریفی و ستوان دوم علی اصغر احسانی) در محل دستگیر و برای محاکمه به مرکز اعزام شدند و چندین نفر دیگر متواری و به شوروی فراری و پناهنده شدند. غائب بهلکه (رییس کمیته‌ی محلی حزب توده در گنبد قابوس) در فرار بازماندگان این افسران توده‌ی خراسان به شوروی موثر و نقش‌آفرین بود.

بعضی از افسران توده‌ی مزبور (امثال پروفیسور احمد شقایب، پسر مرحوم شفاءالملک سبزواری) گفته‌اند که حرکت نظامی این افسران، خودجوش بود و اینان آمینوار بودند که پس از اعلان جمهوری در ترکمن صحرا = دشت گرگان، دولت شوروی را در برابر عمل انجام شده قرار دهند تا شوروی ناگزیر در پی تجزیه‌ی آن قسمت از ایران، آن «جمهوری سوسیالیستی ترکمن صحرا» را به رسمیت بشناسد و زیر پر و بال بگیرد. اما شواهد خارجی نشان می‌دهد که حضرات از اول با چراغ سبز دولت شوروی و هماهنگی کمیته‌ی مرکزی حزب توده به این اقدام متجاسرانه دست زده‌اند. این شواهد را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱- حزب توده از تهران چند افسر دیگر (امثال سرهنگ عبدالرضا آذر، یوروطن، سرگرد احمد رصدی، سرگرد عبدالحسین آگاهی، پزشکیان و پورهرمزان) را به مقصد افسران توده‌ی خراسان اعزام کرد و با ملحق شدن افسران تهرانی به افسران خراسانی، تعداد

این افسران متجاسر از ۲۵ نفر به ۳۱ نفر رسید. (خاطرات نورالدین کیانوری، ص ۱۰۶)

۲- عبدالصمد کامبخش (عضو کمیته‌ی مرکزی حزب توده که در رأس سازمان افسری حزب توده بود) با افسران خراسانی هماهنگ بوده است. (اسکندری، ایرج، خاطرات، تهران، علمی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۲)

۳- سرهنگ عبدالرضا آذر مسؤول سازمان نظامی ستاد مرکزی حزب توده در تهران و سروان خسرو روزبه، با افسران خراسان هماهنگ بوده‌اند. (کولایی، الهه، استالینسم و حزب توده، ۱۳۷۶، ص ۹۷)

۴- اتحاد جماهیر شوروی در جریان شورش افسران توده‌یی خراسان بوده و عملاً در فاصله‌ی ۲۵ تا ۲۹ مرداد به شورشیان کمک کرده است، چنان‌که وقتی دولت مرکزی ایران قصد اعزام نیرو برای مقابله با افسران شورشی داشته است، مانع حرکت نیروهای نظامی دولت مرکزی شده است. (خان ملک‌یزدی، محمد، غوغای تخلیه‌ی ایران، تهران، سلسله، ۱۳۶۲، صص ۴۲-۴۳)

۵- حرکات مشابه در آذربایجان، کردستان و مازندران مورد تأیید شوروی و حزب توده بود.

## ۱۹۶- وداع نامه‌ی سید جمال الدین واعظ

### به پسرش محمدعلی جمال زاده

این نامه‌ی سوزناک را سید جمال واعظ اصفهانی (خطیب مشروطیت) قبل از کشته‌شدن، از زندان حسام‌الملک از بروجرد برای پسر بزرگش محمدعلی جمال‌زاده فرستاده است:

«میرزا محمدعلی جانم: گمان می‌کنم این آخرین کاغذی است که از پدرت دریافت می‌نمایی. چون که به واسطه‌ی این ملت مرده‌ی بی‌حس دشمن بر ما غالب شد، حالا دیگر چاره از دست رفته و باید مردانه جان داد رضاً برضاً الله.

نور چشمم، می‌دانم در این صورت در غربت به شما خیلی سخت خواهد گذشت، ولی اگر عاقل باشی، باید برخلاف خوشحال شوی چه پدرت شهید وطن و کشته‌ی شرف و افتخار است. امروز با هزار التماس توانسته‌ام این کاغذ را به تو که پسر ارشدم هستی، بنویسم. تو هم اگر پسر من هستی پیروی از کردار پدرت خواهی نمود و از جان دادن مضایقه نخواهی کرد. خداحافظ قوت قلبم که بیش‌تر نمی‌توانم صحبت کنم، اسباب خوشبختی خانواده‌ات باش. خداحافظ نور بصر و آرام دل. اگر وقتی شخص رمضان‌علی نامی پیشت آمد و انگشتر و مهر مرا نشان داد، خیلی احسان کن که این جوان رفیق و هم‌دم پدرت در این اوقات است. یا عدل و یا حکیم احکم بیننا و بین قوم الظالمین (امضاء) جمال».

## ۱۹۷- اولین شعر فارسی با ردیف مادر

ظاهراً نخستین شعر فارسی با ردیف مادر و به عشق مادر قطعه‌ی زیر اثر طبع خاقانی شروانی (۵۲۰-۵۹۵ ق) است که عیناً از دیوان او به تصحیح دکتر سید ضیاءالدین سجادی نقل می‌شود:

ای ریزه‌ی روزی تو بوده	از ریزش ریسمان مادر
خو کرده به تنگنای شروان	با تنگی آب و نان مادر
زیر صلف کسی نرفته	جز آن خدای و آن مادر
افسرده چو سایه و نشسته	در سایه‌ی دو گدان مادر
ای باز سپید چند باشی	محبوس به آشیان مادر
شرمت ناید که چون کبوتر	روزی خوری از دهان مادر
تا کی چو مسیح بر تو بینند	از بی‌پدري نشان مادر
یک ره چو خضر جهان بیمای	تا چند ز خانه جان مادر
ای در یتیم و چون یتیمان	افتاده بر آستان مادر
مدبر خلفی به خویشان بر	خود نوحه کن از زبان مادر
با این همه هم نگاه می‌دار	حق دل مهربان مادر
می‌ترس که آن زمان درآید	کارند به‌سر زمان مادر

## ۱۹۸- مهدی سحابی

مهدی سحابی (قزوین ۱۳۲۳ - تهران ۱۳۸۸)، نقاش، پیکرتراش، مترجم، نویسنده و عکاس چند ترجمه‌ی مهم دارد که عبارتند از: در جست‌وجوی زمان از دست رفته - مارسل پروست؛ بچه‌های نیمه‌شب - سلمان رشدی؛ شرم - سلمان رشدی؛ همه می‌میرند - سیمون دوبوار؛ دسته‌ی دلک‌ها - لویی فردینان سلین؛ مرگ قسطی - لویی فردینان سلین؛ بارون درخت‌نشین - ایتالو کالوینو؛ تربیت احساسات - گوستاو فلوبر؛ مادام بواری - گوستاو فلوبر؛ مرگ وزیر مختار: الکساندر گربایدوف - مونتس دیوید؛ جامعه‌شناسی هنر - ژان دو ویتو

## ۱۹۹- شعری که ورد زبان سردار جنگل بود

میرزا کوچک‌خان جنگلی (سردار جنگل)، این بیت را که گوینده‌ی آن معلوم نیست، در خلوت و جلوت زیر لب زمزمه می‌کرده است:

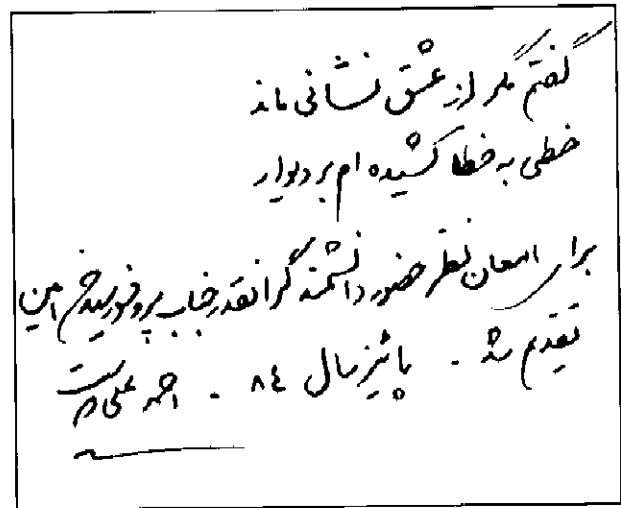
هلاک ما به بیابان عشق خواهد بود

کجاست یار که با ما سر سفر دارد

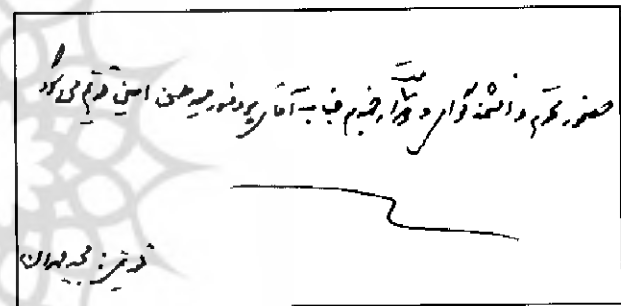


## ۲۰۰- نمونه‌ی خط مشاهیر

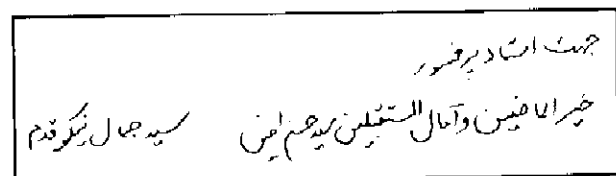
الف. خط احمد علی دوست، نویسنده و شاعر گیلانی، بر پشت مجموعه‌ی مقالاتش که با عنوان خطی بر دیوار چاپ شده است:



ب. خط مجید مهران، دیپلمات بازنشسته و پژوهشگر تاریخ سیاسی



پ. خط سید جمال نیکوقدم، فاضل معاصر، نویسنده، عضو حزب ملل اسلامی و از زندانیان سیاسی رژیم محمدرضا شاه که مقاله‌ی نقد او بر استاد زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، در ماهنامه‌ی حافظ شماره‌ی ۶۴ چاپ شد. قابل یادآوری است که حزب ملل اسلامی به رهبری سید کاظم بجنوردی با مشی مبارزه‌ی مسلحانه بر ضد رژیم پهلوی تشکیل گردیده بود. دیگر اعضای آن عبارت بودند از: مرحوم محمدعلی مولوی عربشاهی، محمدجواد حجتی کرمانی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده و طباطبایی قمی.



## ۲۰۱- نمونه‌ی عکس مشاهیر

دوست و همکار پیشکسوت ما استاد حسین شهسوارانی (معاون اسبق وزارت دادگستری) این دو عکس را در اختیار مجله قرار دادند.

الف. در مراسم همایش کنگره‌ی روسای دادگستری استان‌ها - تالار اجتماعات کاخ دادگستری



از راست به چپ

۱- آقای مسعود هدایت معاون وزارت دادگستری

۲- آقای عباس پیشوایی دادستان تهران

ب. در کنگره خانه‌های انصاف استان‌ها - در تالار اجتماعات کاخ دادگستری تهران



از راست به چپ

۱- یدالله شهبندی معاون اداری وزارت دادگستری

۲- دکتر باقر عاملی وزیر دادگستری

۳- عباس پیشوایی مدیر مسوول امور اداری خانه‌های انصاف

۴- دکتر غلامحسین وفایی رییس دفتر وزیر دادگستری

۵- حسین شهسوارانی رییس دادگستری و مسوول خانه‌های انصاف استان مازندران.